

## معرفی وقایع نگار و ذکر بعضی نکات و تصحیح بعضی اشتباهات درباره زندگی و آثار او

دکتر سید اسماعیل قافله باشی<sup>۱</sup>، سید علی هاشمی عرقطو<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۲/۵

تاریخ پذیرش قطعی: ۸۸/۵/۲۸

### چکیده

یکی از شاخه های تحقیقاتی در ادبیات فارسی، بررسی سیر زندگی و فعالیتهای ادیبان و آثار آنهاست و پژوهشگران و محققان بسیاری با تلاشهای خود به افزون شدن اطلاعات و آگاهیها در این زمینه کمک کرده اند. اما همواره نقصها و گهگاه اشتباهاتی در این تحقیقات وجود داشته که نیازمند برطرف کردن بوده اند. از جمله این نقصها و اشتباهات، مواردیست که در باره زندگی و آثار یکی از ادبای عصر قاجار به نام میرزا محمد صادق وقایع نگار رخ داده و موجب نقص آگاهیها و در بعضی موارد غلط بودن دانسته های ما درباره او شده است. ما در این مقاله برآنیم که ضمن ارائه آگاهیهای جدید درباره زندگی وی، اشتباهات موجود درباره زندگی و آثار او را که به تذکره ها و بعضی کتب دیگر راه یافته است طرح کرده سپس آنها را تصحیح نماییم.

### کلمات کلیدی

وقایع نگار، فتحعلیشاه، رساله، تاریخ جهان آرا، تذکره

---

۱ - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

#### مقدمه

آگاهی از سیر زندگی و شرایط دوره ای که هر یک از نویسندگان و شاعران در آن میزیستند و آثار خود را پدید می آورند ، علاوه بر آنکه ما را در دستیابی به شناخت بیشتر از آنها کمک میکند ، راه را برای درک بهتر آثار ادبی آنها هموارتر مینماید. یکی از مهمترین منابع در راه کسب این آگاهیها مطالعه تذکره ها و کتبی است که در آن شرح حال شعرا و ادبا نوشته شده است. اما این کتابهای تذکره به دلایل زیر ممکن است دچار نقص یا اشتباه در مطالب خود بشوند:

۱- وجود فاصله زمانی طولانی و یا دوری مکانی میان نویسنده تذکره و افراد معرفی شده در آن .

۲- عدم جستجوی تذکره نویس در آثار ادبا و تکیه کردن به شنیده ها.

۳- تکرار مطالب تذکره های دیگر.

۴- قلت علم تذکره نویس.

۵- معرفی افرادی که هنوز در قید حیاتند و ممکن است آثار جدیدی بیافرینند.

این نقصها و اشتباهات بتدریج میتوانند وارد تحقیقات پژوهشگران شده ، آنها را نیز دچار اشتباه سازند.

یکی از افرادی که در تذکره های دوره قاجار به بعد ، نامش بسیار تکرار شده ، میرزا محمد صادق وقایع نگار است. اما اطلاعاتی که در تذکره ها و حتی کتابهای تحقیقی جدید درباره او داده میشود بنابر دلایلی که در بالا آمد اغلب تکراری ، پراکنده ، ناقص و گاه متضاد و متفاوت است . این پراکندگی و آشفتگی اطلاعات ما را بر آن میدارد که به پژوهشی تازه درباره زندگی و آثار وقایع نگار اقدام کنیم و ضمن گردآوری اطلاعات پراکنده در کتابهای مختلف ، با تحقیق در آثار وقایع نگار او آگاهیهای جدیدی درباره وی بیابیم. برای دستیابی به این هدف ما در کنار مراجعه به کتب تذکره ، تاریخ و تحقیقات انجام شده تازه ، به نسخه های خطی متعددی از آثار مراجعه کرده و اطلاعات مفید و جدیدی را به دست آوردیم و مقاله را در دو بخش « سیر زندگی وقایع نگار » و « ذکر بعضی نکات و تصحیح بعضی اشتباهات درباره وقایع نگار » طرح ریزی کردیم. امیدواریم این تحقیق بتواند گامی ، هرچند کوچک ، در راه تکمیل دانسته های ما درباره تاریخ ادبیات ایران باشد.

## سیر زندگی وقایع نگار

میرزا محمد صادق مروزی فرزند محمد باقر مروزی، وقایع نگار<sup>۱</sup> دربار فتحعلیشاه در شهر مرو شاهجان<sup>۲</sup> به دنیا آمد. تاریخ تولد او اگرچه در هیچیک از منابع موجود نیامده است اما میتوان گفت که او متولد نیمه دوم قرن دوازدهم هجریست. وقایع نگار سالهای ابتدایی عمر خود را در مرو گذرانیده، تحصیلات مقدماتی را در آنجا طی کرد و ادامه تحصیلات خود را در مشهد به انجام رسانید<sup>۳</sup> منطقه شمال شرقی ایران و همچنین شهر مرو از دیرباز مورد هجوم همسایگان خود و خصوصا ازبکان بوده است. در دوران نوجوانی و جوانی وقایع نگار نیز شهر مرو مورد حملات متعدد بیگی جان ازبک قرار میگرفت. وقایع نگار که خود شاهد این تاخت و تازها بوده در این باره میگوید: «محرر حروف خود در آن واقعه فحشا در مرو بود و شور محشر در آن سکنه محنت فزا مشاهده نمود.»<sup>۴</sup> او در یکی از این حمله ها پدر و برادر خود را از دست میدهد، چنانکه میگوید: «حقیر را نیز پدر و برادر در آن عرصه پر شور و شر گرفتار آمد و دیده در ماتم ایشان و یاران وطن خونبار.»<sup>۵</sup> بر اثر این حملات، او در سال ۱۲۰۰ هجری و یا اندکی بعد، از آن سرزمین به عراق عرب کوچ کرد و مدتی در شهرهای کربلا و نجف به تحصیل علم و دانش پرداخت. گوشه هایی از داستان مهاجرتش را ما در کتاب مجمع المآثر از زبان خودش چنین میخوانیم: «چون سپهر بیمهر حقه وفا بشکست و گردش ماه و مهر در شکست مینای عهد سستی نورزیده و با زمانه جافی به خفا و سختی پیمان محکم دریست... به حکم ضرورت احرام حرم غربت که عرفا در شرح حب الوطن من الایمان حرام بود مباح نمود، ... قاید تقدیر به ملک عراقم راهبر آمد ... چندی با هرکس پیوندی داشتم، به امیدی خاطر خسته خرسند. خرمن هنرورانش را خوشه چین آمدم و گلشن دانشورانش را گلچین. با هر سری، سری در میان

۱- وقایع نگار: اخبارنویس، کسی که حوادث و اتفاقات عهد پادشاهی را یادداشت و ضبط کند. لغتنامه دهخدا، ۱۵/۲۳۲۲۱.

۲- مرو شاهجان یا شاهجهان یا شاهجهان: مرو بزرگ که در قرون وسطی به مرو شاهجان معروف بود تا با مروالرو که مرو کوچک است اشتباه نشود. ظاهرا شاهجهان معرب شاهگان فارسی و به معنی شاهانه و شاهوار است. جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، گای لسترنج/۴۲۴.

۳- از صبا تا نیما، آرین پور، ۷۵/۱. نیز: تذکره اختر، احمد گرجی، ۲۳۳/۱.

۴- تاریخ جهان آرا، وقایعنگار، نسخه کتابخانه ملی، شماره ۲۲۵۹ ف / ۱۸۲.

۵- همان / ۱۸۲.

بود و از حصول هر سرّی، سروری در دل و جان. در هر مقام سیر نمودم و به اختلاف مسلک، سلوک در کعبه و دیر. بالجمله رنج خاطر را بهبودی حاصل شد و زیان مایه دانش را سودی.<sup>۱</sup> او بعد از اقامت در عراق راهی ایران شده در خطه کاشان جایگیر میشود و در نزد حاجی سلیمان صباحی کاشانی به تمرین درس شعر و شاعری میپردازد. میرزا محمد صادق سپس به قم رفته در آنجا متوطن میشود و با دختر یکی از بزرگان آن شهر ازدواج میکند. وقایع نگار از همان ابتدای حکومت فتحعلیشاه به دربار پیوسته و جزء منشیان درباری قرار گرفته است. او احتمالاً در سال ۱۲۱۵ هجری از جانب فتحعلیشاه سمت وقایع نگاری دربار را به دست آورد و بعدها، احتمالاً در سال ۱۲۲۵ هجری به منصب داروغگی دفترخانه همایون نائل شد.

میرزا محمد صادق در مدت فعالیت خود به سفارتهای متعددی مأمور شد که در بخش بعدی مقاله به آنها خواهیم پرداخت. او پس از یک عمر پر تلاش و پر سفر، بالاخره در سال ۱۲۵۰ هجری و طبق گفته دکتر زرگری نژاد در کتاب سیاست نامه های قاجاری، در ذیحجه آن سال و قریب دو ماه پس از مرگ شاه<sup>۲</sup> چشم از جهان فرو بست. از میان فرزندان وقایع نگار، پسرش محمد جعفر، بیش از سایرین مورد توجه او و کتابهای تاریخی بوده و شغلهای پدر به او رسیده و بعد از مرگش در ۱۲۹۷ هجری همچنان این مشاغل در نسل او باقی ماند.

از وقایع نگار چندین اثر ادبی و تاریخی به جای مانده که تعدادی از آنها به دستور شخص شاه نوشته شده اند. این آثار عبارتند از:

۱- **تاریخ جهان آرا:** کتابی است در تاریخ سلطنت فتحعلیشاه که در آن تفصیل تمام اتفاقات عصر فتحعلیشاه و همچنین تکمله ای در وصف شاه و اطرافیانش و عمارات و کاخهای شاه و اقدامات او در رسیدگی به وضع اماکن زیارتی و شهرها آمده است. از این کتاب که میتوان آن را اصلترین منبع درباره دوره فتحعلیشاه و سرمشق بسیاری از کتب تاریخی آن دوره دانست نسخه های متعدد وجود دارد و سالها پیش متن آن توسط آقای

۱ - مجمع المآثر، وقایعنگار، نسخه کتابخانه مجلس، شماره ۷۵۷ س. برگ ۱-۲

۲ - سیاست نامه های قاجاری، زرگری نژاد، ۲۶/۱.

غلامرضا طباطبایی مجد تصحیح و برای انتشار به دست ناشر سپرده شد که متأسفانه تا امروز به دلیل برخی مشکلات چاپ نشده باقی مانده است.

۲- **زینت المدایح** : تذکره و مجموعه ای است از شعر شاعران مداح فتحعلیشاه که به دستور شاه در دو جلد فراهم شده است. جلد اول شامل مدایح شاعران در هفت سال نخست سلطنت شاه در یک آرایش « در ذکر اشعار فصاحت آثار خسرو عدالت شعار» و دو پیرایه « پیرایه اول در ذکر اشعار شعرای ملتزمین رکاب ظفر انتساب و پیرایه دوم در ذکر اشعار مطلق شعرای ممالک محروسه که در ثنای قبله عالم و عالمیان رطب اللسانند » و یک زیور « در ذکر اشعار مولف و شمه ای از مجاری حالات ارادت آیاتش» در سال ۱۲۱۸ هجری تألیف شده و جلد دوم نیز در سال ۱۲۲۳ هجری به رشته تحریر درآمده است.

۳- **راحت الارواح** : کتابی است داستانی درباره ماجرای دو پادشاه به نام الغ سلطان پادشاه مشرق و فیروزشاه پادشاه کشور مغرب که البته داستان این دو نفر مقدمه ای برای ورود به داستان اصلی کتاب یعنی ماجرای برزو فرزند سهراب و نوه رستم و شرح زندگی او است. علاوه بر داستان برزو چند حکایت متفرقه هم در خلال داستانها آمده که مضمون آنها بی شباهت با حکایات سندباد نامه نیست و داستان دو پادشاه ذکر شده در ابتدای کتاب هم تأثیر آشکاری از آغاز داستان سمک عیار را نشان میدهد. این کتاب قبل از سال ۱۲۲۵ هجری و جهت مداوای کم خوابی شاه در یک افتتاح و بیست و هشت راحت و یک اختتام تألیف شده است. نکته قابل ذکر اینکه در هیچیک از تذکره ها نامی از این کتاب به عنوان اثر وقایع نگار برده نشده است.

۴- **تحفه عباسی** : رساله ای است شامل مجموعه ای از پندها و حکایات متناسب با آنها که به شماره سبعة سیار در هفت تحفه و افتتاح و اختتام به نام عباس میرزا نوشته شده است. تألیف این رساله چند سال پیش از تألیف شیم عباسی بوده است.

۵- **شیم عباسی** : اندرزنامه ای که وقایع نگار آن را در هنگام نزول اردوی شاه در چمن اوجان نوشته است و حاوی چهل پندست . نویسنده چون آن را لایق شاه ندانسته به عباس میرزا اهدا کرده است.

- ۶- قواعد الملوك : این کتاب منتخبی است از کتاب تحفه العالم سید عبداللطیف موسوی شوشتری ، دربارهٔ اوضاع و احوال زمین و آسمان و اطلاعات مفیدی دربارهٔ هندوستان و مردم آن که وقایع نگار به دستور شاه با حذف پاره ای زواید و افزودن برخی مطالب دربارهٔ فتحعلیشاه ، آن را در سال ۱۲۲۵ هجری در یک مقدمه و دو قاعده و سه گفتار ترتیب داده است.
- ۷- مجمع المآثر : رساله ای در شکایت از بخت و روزگار و در مدح و وصف شاه و اطرافیان او، که در بخش بعد بیشتر دربارهٔ آن صحبت خواهیم کرد.
- ۸- دیوان هما : اگرچه بیشتر آثار وقایع نگار به نثر است ، اما او در شعر هم دستی چیره دارد . او در شعر هما تخلص میکرده و دیوان هما ( نامگذاری از دکتر گلچین معانی است ) مجموعه ای از اشعار او در قالبهای مختلف شعری است که در هنگام سفارتش در هرات ، در سال ۱۲۳۰ هجری جمع آوری شده اند. البته وقایع نگار اشعار بسیار دیگری هم دارد که پس از این تاریخ سروده شده اند و در این دیوان وجود ندارند.
- ۹- منشآت : مجموعه ای از نامه های وقایع نگار است. نسخهٔ مجلس این منشآت دارای سی و پنج نامه است که قسمتی از نامه های نوشته شده تا سال ۱۲۳۲ هجری قمری را دربردارد.
- ۱۰- ماجرای رخصت شرب مدام در عروسی عباس میرزا: رساله ایست که در آن به شرح آزاد شدن مصرف شراب به شادمانی جشن عروسی عباس میرزا پرداخته و این ماجرا را با نثری ادبی در گفتگو با چنگ و دف و جام شراب به رشتهٔ بیان کشیده است.
- ۱۱- دیباجهٔ دیوان فتحعلیشاه : دیباجه ای که او بر دیوان فتحعلیشاه که آن را هم به دستور شاه ، خود وقایع نگار گردآوری و مرتب کرده ، نوشته است.
- ۱۲- حکایات : نام رسالهٔ کوتاهیست که وقایع نگار در آخرین روزهای اقامت خود در هرات ، در تاریخ یکشنبه ۲۸ ماه ربیع الاول ۱۲۳۲ هجری و به خواهش فردی به نام عبدالصمد نوشته است. مضمون این رساله عشق و بیان ناراحتی نسبت به دوری از وطن است که در ده حکایت و یک خاتمه نگاشته شده است.

۱۳- ترجمه فرمان امام علی (ع) به مالک : این رساله ترجمه ای ادیبانه است از فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر در چهار بخش: اخذ خراج، جهاد، اصلاح مردمان و آباد کردن شهرها<sup>۱</sup>.

۱۴- آهنگ سروش : مجموعه یادداشتهای وقایع نگار ، مربوط به حوادث روزمره در جبهه‌های مختلف جنگ ایران و روسیه و چون او به دلیل داشتن شغل درباری نمیتوانسته این یادداشتهای را آشکار کند، آنها را نزد شخصی به نام سرهنگ قاسم خان فندرسکی میسپارد و سپس این یادداشتهای به آقای حسین آذر رسیده ، او به گردآوری و تنظیم یادداشتهای میپردازد. این یادداشتهای بعدها در کتابی به نام آهنگ سروش به کوشش آقای امیر هوشنگ آذر چاپ شدند. تفاوت بعضی روایات موجود در این کتاب با آنچه در کتب تاریخی دیگر آمده و برملا ساختن گرایشات برخی درباریان به قدرتهای بیگانه ، همچنین انتقادات صریح و گاه تندی که از درباریان و در برخی موارد از شخص شاه دارد در کنار سادگی نثر این یادداشتهای از ویژگیهای مهمی است که نوشته های این کتاب را قابل اعتنا و درخور توجه میکند .

### ذکر بعضی نکات و تصحیح بعضی اشتباهات درباره وقایع نگار

همانطور که پیش از این گفته شد، بعضی نقصها و اشتباهات درباره زندگی وقایع نگار در آثار تذکره نویسان و پژوهشگران راه یافته است و ما در این بخش به تکمیل اطلاعات و تصحیح اشتباهات درباره زندگی و آثار او میپردازیم :

۱- آنچنان که گفته شد در هیچیک از منابع ، ذکری از تاریخ تولد وقایع نگار نیامده است ، ولی در متولد شدن او در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری شکی وجود ندارد. در پایان کتاب رطب اللسان که در واقع جلد اول از تاریخ جهان آراست و در ادامه درباره آن صحبت خواهیم کرد، بیتی آمده که با تکیه بر آن میتوان زمان دقیقتری از تولد وقایع نگار به دست آورد. بیت مزبور چنین است :

ز پنجه گرم کم بود سال پنج ولی بردم افزون ز صد سال رنج<sup>۱</sup>

۱- فرمان مالک اشتر، حسینی علوی آوی ، تصحیح محمود عابدی / ۲۰.

حال اگر تاریخ اتمام تالیف این کتاب بنا به قول عباس اقبال سال ۱۲۲۵ هجری باشد<sup>۲</sup>، و نویسنده در آن هنگام حدوداً چهل و پنج ساله باشد، تاریخ ۱۱۸۰ هجری میتواند دقیقترین زمان به عنوان تاریخ تولد وقایع نگار به حساب بیاید. البته ما با توجه به روش وقایع نگار در آوردن یک شعر در آثار مختلف، این تاریخ را قطعی نمیدانیم ولی مطمئناً این سخن میتواند نزدیکترین نظر به واقعیت باشد.

۲- پیش از این مطرح شد که وقایع نگار در سال ۱۲۰۰ هجری یا اندکی بعد به عراق مهاجرت کرده است. دکتر زرگری نژاد در کتاب سیاست نامه های قاجاری فرموده اند که این سفر در سال ۱۲۰۹ هجری انجام شده است<sup>۳</sup>. اما حداقل به دو دلیل این تاریخ غلط است:

الف- وقایع نگار به شهادت اکثریت تذکره ها پس از بازگشت از عراق مدتی شاگرد صباحی کاشانی بوده و از آنجا که صباحی در سال ۱۲۰۶ هجری وفات یافته است، تاریخ ۱۲۰۹ هجری برای شروع این سفر نمیتواند درست باشد.

ب- با توجه به اینکه وقایع نگار تقریباً از ابتدای حکومت فتحعلیشاه به دربار پیوسته است، فاصله زمانی میان سال ۱۲۰۹ تا ۱۲۱۲ هجری آنقدر نیست که یک فرد به عراق رفته کسب علم کند و سپس به کاشان و قم بیاید و مدتها در آن دو شهر هم زندگی کند.

۳- بنا بر نظر مرحوم اقبال، میرزا محمد صادق در سال ۱۲۱۵ هجری از جانب فتحعلیشاه سمت وقایع نگاری دربار را به دست آورد<sup>۴</sup>. البته ما قصد نفی نظر ایشان را نداریم و حداقل اطمینان داریم که وقایع نگار در این سال از درباریان بوده و با شاه به خراسان رفته و در پیروزی شاه شعر گفته و مورد تحسین شاهانه قرار گرفته است<sup>۵</sup>. اما در جلد اول از کتاب زینت المدایح، نسخه مجلس، عبارتی آمده که هرچند عجیب و از نظر تاریخی غلط است ولی ذکر آن بیفایده نیست. وقایع نگار در این کتاب درباره خود میگوید: «تاریخی در وقایع و مآثر خدیو جهانگیر مسمی به جهان آرا انشا نموده به توسط اولیای دولت قاهره به

۱- رطب اللسان، وقایع نگار، نسخه کتابخانه ملی، شماره ۴۴۴ / ۴۴۸.

۲- مقاله تاریخ جهان آرا، عباس اقبال / ۱۱۵.

۳- سیاست نامه های قاجاری، زرگری نژاد، ۲۵ / ۱.

۴- مقاله تاریخ جهان آرا، عباس اقبال / ۱۱۵.

۵- تاریخ جهان آرا، وقایع نگار، نسخه ملی، شماره ۲۲۵۹ / ۱۲۲.



عرض اقدس اعلیحضرت ... رسانید و به آن وسیله در سلک چاکران .... پادشاهی منسلک و به منصب والای وقایع نگاری این دولت ابد مدت مفتخر گردیده در زمره منشیان دیوان اعلی منخرط و مربوط آمد.<sup>۱</sup> وقایع نگار کتاب زینت المدایح را در سال ۱۲۱۸ هجری نوشته است و این در حالی است که جلد اول تاریخ جهان آرا دربردارنده وقایع تا سال ۱۲۲۱ هجری است و قاعدتا نمیتوانسته نگارشش تا پیش از سال ۱۲۱۸ هجری به پایان رسیده باشد و اصلاً ذکر نام تاریخ جهان آرا در این نسخه از زینت المدایح مطلبی قابل تامل است. این مورد و مواردی شبیه به این نشان میدهد که یا وقایع نگار و یا کاتبان ، بعدها در آثار نکات جدیدی وارد میکرده اند.

۴- اگرچه وقایع نگار بعد از پیوستن به دربار در ری ساکن شد اما ارتباط او با شهر قم هیچگاه قطع نشد ، چنانکه او جلد دوم زینت المدایح را در ۱۲۲۳ هجری در قم نوشته است و همینطور در دیوان او ابیاتی هست که او در آن اجازه بازگشت به قم را طلب میکند :  
کمترین مداح درگاه فلک جاهت هما کش زبان گاه بیان برنده چون شمشیر شد  
خاکبوس آستانت را مجاور شد به ری تا کنون کز ماندن در ملک ری دلگیر شد  
خواهد از خاک درت بارسفریندد به قم گرچه او را دوری ازتونوعی ازتقصیرشد<sup>۲</sup>

۵- پیش از این گفتیم که وقایع نگار در سال ۱۲۵۰ هجری از دنیا رفت. اما دیوان بیگی شیرازی در کتاب حدیقه الشعرا تاریخ مرگ او را در هزار و دویست و چهل و اند میداند.<sup>۳</sup> این نظر لایل قاطع زیر غلط است و مرگ وقایع نگار پیش از ۱۲۵۰ هجری نمیتوانسته رخ دهد :

الف- در تذکره ها و کتابهای تاریخی که از مرگ او صحبت کرده اند ، تاریخ مرگ وی را در سال ۱۲۵۰ هجری میداند و تاریخ گفته شده توسط دیوان بیگی نظری شاذو یگانه است.  
ب- بنا به ذکر دکتر زرگری نژاد ، او در ذیقعدۀ ۱۲۴۸ هجری به همرا جمععی از بزرگان درباری با سیمونوویچ وزیرمختار روسیه ملاقات کرده است.<sup>۴</sup>

۱ - زینت المدایح ، وقایع نگار، نسخه مجلس ، شماره ۳۹۷ / ۲۱۱.

۲ - دیوان هما ، وقایع نگار ، نسخه مجلس ، شماره ۸۸۲۱/۶ / ۲۸۲.

۳ - حدیقه الشعرا ، دیوان بیگی شیرازی ، ۳ / ۲۰۹۲.

۴ - سیاست نامه های قاجاری ، زرگری نژاد ، ۱۰ / ۲۶.

ج- در منشآت قائم مقام فراهانی چند نامه وجود دارد که بعد از فوت ولیعهد و در جواب نامه‌های وقایع نگار نوشته شده‌اند<sup>۱</sup> و این خود دلیل واضحی بر غلط بودن سخن دیوان بیگی است.

۶- در کتابهای مختلف اطلاعات پراکنده ای از سفارتهای وقایع نگار آمده که ممکن است باعث اشتباه گردد و ما اینجا به ذکر کامل آنها میپردازیم:

الف- یکبار در سال ۱۲۲۰ هجری ، پس از بروز اختلاف میان علی پاشا حکمران بغداد و عبدالرحمن حاکم سلیمانیه درباره حکومت شهرزور و استمداد عبدالرحمن از شاه ، فتحعلیشاه وقایع نگار را به بغداد فرستاد تا درباره عبدالرحمن با علی پاشا مذاکره کند ولی علی پاشا به سخنان وقایع نگار و دستورات فتحعلیشاه وقعی نگذاشت<sup>۲</sup>.

ب- در سال ۱۲۲۲ هجری و پس از جنگ میان ایران و عثمانی که در ادامه اختلافات عبدالرحمن و علی پاشا به وجود آمده بود؛ وقایع نگار بار دیگر به عنوان سفیر به بغداد اعزام شد و مدتی در آنجا اقامت کرد. سعید نفیسی در کتاب تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر مقصد این سفر را استانبول بیان کرده اند<sup>۳</sup> که اشتباه است.

ج- در سال ۱۲۲۵ هجری ، باز وقایع نگار برای از میان بردن اختلاف میان حاکمان محلی و سلیمان پاشا ، حاکم بغداد ، عازم آن دیار میشود که باکشته شدن سلیمان پاشا ، وقایع نگار که به کرمانشاه رسیده بود از آنجا باز میگردد<sup>۴</sup>.

د- وقایع نگار در حدود سال ۱۲۳۰ هجری به سفارت هرات رفت. او در طی یکی از جنگها در هرات دستگیر شده ، به مدت نُه ماه به زندان افتاد. سفر به هرات یکی از تلخترین وقایع زندگی او بوده و او در قصیده ای با مطلع :

صبحدم از دل دمی آتشفشان خواهم کشید      انتقام خویشتن از آسمان خواهم کشید<sup>۵</sup>

۱ - منشآت قائم مقام ، نامه های شماره ۱۰۰ ، ۱۰۴ ، ۱۰۵ .

۲ - ایران در دوره سلطنت قاجار ، شمیم / ۱۱۲-۱۱۳ .

۳ - تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر ، نفیسی / ۷۰۱ .

۴ - آهنگ سروش ، وقایع نگار / ۱۸۴-۱۸۵ . نیز: ناسخ التواریخ، سپهر / ۱۹۷-۱۹۸ .

۵ - دیوان هما ، وقایع نگار، نسخه مجلس ، شماره ۸۸۲۱/۶ / ۳۳۱-۳۳۵ .

به شدت اهل هرات و بلخ را به خاطر بلاهایی که کشیده به انتقام تهدید میکند. تاریخ این سفارت که دو سال طول کشید، در بعضی کتابها مانند سیاست نامه های قاجاری در سال ۱۲۳۱ هجری آمده است<sup>۱</sup>، اما به تصریح وقایع نگار در مقدمه دیوان هما، او در ۱۲۳۰ هجری در هرات بود<sup>۲</sup>، و حداقل تا ۲۸ ربیع الاول ۱۲۳۲ هجری در آنجا به سر برده و رساله حکایات را در آنجا نوشته است.

ه- بنا به ذکر سپهر در ناسخ التواریخ، او یکبار هم در سال ۱۲۳۸ هجری و پس از امضای معاهده میان داوود پاشای بغداد و فتحعلیشاه، به همراه فردی به نام شیخ موسی راهی بغداد میشود و پس از اجرا شدن مواد عهدنامه باز میگردد<sup>۳</sup>.

و- در میان سفارتهای مختلف او، بی شک مهمترین سفارت، سفارت او به تفلیس میباشد که در کتابهای مختلف، تاریخ آن سال ۱۲۴۰ و ۱۲۴۱ هجری دانسته شده است. در این سفر که با کارشکنی روسها و بی اعتنائی یرملوف سردار روس و جانشینش لمینوف همراه بود، وقایع نگار توانست سند مکتوبی را مبنی بر متجاوز بودن روسها از لمینوف به دست بیاورد.

ز- وقایع نگار یکبار دیگر هم در سال ۱۲۴۴ هجری و پس از واقعه قتل گریبایدوف به روسیه فرستاده شد ولی در تبریز عباس میرزا او و همراهش را بازگردانده و خسرو میرزا را به جای آنها میفرستد<sup>۴</sup>.

علاوه بر این سفارتهای، وقایع نگار در بیشتر لشکرکشیها و مسافرتها شاه یا شاهزادگان همراه آنها بوده و در جنگهای ناحیه خراسان و جنگهای با روسیه حضور داشته، در جریان خیانت والی ایروان، محمد خان و سپس بازگشتش از خیانت، او برای آزمایش صداقت والی نزد او میرود.

۷- این اقدامات سیاسی گسترده، در دربار آن روزگار که پیوسته مورد دخالت بیگانگان و خیانت خودفروختگان قرار داشت، دوستان و دشمنانی را برای او ایجاد کرد و یکی از

۱- سیاست نامه های قاجاری، زرگری نژاد، ۲۶/۱.

۲- مجموعه (دیوان هما)، وقایع نگار، نسخه مجلس، شماره ۸۸۲۱/۶ / ۱۷۲.

۳- ناسخ التواریخ، سپهر / ۳۴۹-۳۵۰.

۴- آهنگ سروش، وقایع نگار / ۲۹۵-۲۹۶.

مضمونهای رایج در آثار وقایع نگار شکایت از این دشمنان و نصیحت شاه در اجتناب از این افراد است. نشانه های فراوان اینگونه سخنان را میتوان در راحه الارواح ، شیم عباسی ، مجمع المآثر ، دیوان هما و منشآت او دید. یکی از موارد توطئه و سخن چینی علیه او به بعد از بازگشتش از سفارت هرات مربوط است که در آن توطئه چینان در حضور شاه او را مواخذه و محاکمه میکنند. در میان این دشمنان میتوان از میرزا ابوالحسن شیرازی به عنوان مهمترین دشمن و منفورترین شخصیت یاد کرد . وقایع نگار درباره او میگوید: «از دست رفتن گرجستان و داغستان از پیکر ایران در نتیجه خرابکاری میرزا ابوالحسن که همواره تعالی خود را به وسیله تقویت مادی خارجی به دست می آورد انجام گرفت و برقراری وزارت او از روز نخست ، با تحریکات اجانب - دولتین روس و انگلیس - صورت پذیرفت<sup>۱</sup>». در مقابل این دشمنان ، او دوستانی هم داشته که از معروفترین آنها میتوان قائم مقام فراهانی را نام برد. فردی که منشآت مشحون از اظهار لطف و صداقت و صمیمیت به وقایع نگار است و شانزده نامه در مجموعه منشآت به نام وقایع نگار آمده ؛ این در حالی است که بعد از وقایع نگار ، فاضل خان گروسی با نه نامه دومین نفری است که بیشترین نامه به او نوشته شده و این تفاوت فاحش در تعداد نامه ها و لحن صمیمی او در نامه ها ، خود نشانگر عمق رابطه میان این دو تن است. در منشآت وقایع نگار نیز پنج نامه به قائم مقام وجود دارد که قطعا تمام نامه های او به قائم مقام نیست .

۸- آقا بزرگ طهرانی در کتاب الذریعه ، در ترجمه حال وقایع نگار مینویسد : « لقبه السلطان بیدایع نگار و بعد وفاته لقب ولده المیرزا محمد جعفر بهذا اللقب<sup>۲</sup>». اما لقب بیدایع نگار در هیچیک از آثار وقایع نگار و تذکره ها به عنوان لقبی که شاه یا فرد دیگری به او داده باشد وجود ندارد و تنها عنوان وقایع نگار برای او و فرزندش ثبت شده است و سخن آقا بزرگ را آثار وقایع نگار تایید نمیکند.

۱ - آهنگ سروش ، وقایع نگار / ۲۱۷.

۲ - الذریعه الی تصانیف الشیعه ، آقابزرگ الطهرانی ، القسم الرابع من الجزء التاسع / ۱۲۹۷.

۹- همای مروزی در شعر به شیوه شاعران روزگار در قصیده از شعرای عهد غزنوی و سلجوقی و در غزل از شعرای قرن هشتم و نهم هجری پیروی میکرد. او مخصوصاً به خاقانی علاقه زیادی نشان میدهد و بارها اشعاری به اقتضای قصیده ترسائیۀ خاقانی سروده است که معروفترین آنها قصیده ایست با مطلع:

به تغلیسم فلک آورده دروا فغان زین ظلم و آوخ زین تعدا<sup>۱</sup>  
در نثر نیز گرایش او به ساده نویسی است، البته در برابر آثاری چون درۀ نادره و تاریخ و صاف و عبارات و لفظ پردازیهای منشیان در آن دوران؛ آنطور که او در مقدمۀ تاریخ جهان آرا میگوید که نثر کتاب برگرفته از سبک مولانا فضل الله شیرازی در تاریخ معجم و عظاملک جوینی در جهانگشا است و او از طریقه و صاف پیروی نمیکند.<sup>۲</sup> بطور کلی میتوان نثر او و قائم مقام را خصوصاً در منشآتش نزدیک به هم دانست.

۱۰- در میان نسخه های خطی موجود در کتابخانۀ ملی، کتابی به نام رطب اللسان وجود دارد. در مقایسه ای که میان تاریخ جهان آرا و رطب اللسان انجام شد، دریافتیم که این کتاب در واقع همان جلد اول از تاریخ جهان آراست؛ و این نام رطب اللسان یا اشتباه تذکره نویسان و کاتبان بوده که بر اثر تکرار عبارت (رطب اللسان) در متن، به عنوان یک کتاب مستقل در تاریخ قاجار برای وقایع نگار ثبت شده و یا نام اولیه همین تاریخ جهان آرا بوده که بعدها توسط نویسنده تغییر کرده است.

۱۱- در کتابهای مختلف، تاریخ جهان آرا را در دو جلد معرفی کرده اند، به این صورت که جلد اول شامل وقایع ده سال اول از سلطنت فتحعلیشاه (۱۲۱۲-۱۲۲۱ هجری) و جلد دوم شامل وقایع ده سال دوم از سلطنت او (۱۲۲۲-۱۲۳۲ هجری)<sup>۳</sup>. در واقع هم ابتدا جلد اول این کتاب حدوداً در ۱۲۲۵ هجری نوشته شده، سپس در اواخر سال ۱۲۳۲ یا ۱۲۳۳ هجری جلد دوم این کتاب به رشته تحریر درآمده است؛ و این تاریخ از آنجا به دست می آید که وقایع نگار حداقل تا روز ۲۸ ربیع الاول ۱۲۳۲ هجری در هرات بوده و

۱ - از صبا تا نیما، آراین پور، ۷۶/۱.

۲ - تاریخ جهان آرا، وقایع نگار، شماره ۲۲۵۹، ۷-۶.

۳ - از صبا تا نیما، آراین پور، ۷۵/۱. نیز: رسالۀ سیاست (ناموارۀ دکتر افشار، ۲)، مسعود معتمدی / ۷۸۰. نیز: تاریخ جهان آرا، اقبال / ۱۱۵.

در همان زمان که آمادهٔ مراجعت به دارالخلافه بوده، رساله ای برای یکی از دوستان نوشته است. از طرف دیگر طبق گفتهٔ خود وقایع نگار، دستور نگارش جلد دوم بعد از بازگشت از هرات بوده<sup>۱</sup>، همچنین او در نامه ای که برای قائم مقام نوشته و از او خواسته که ریز وقایع ثبت شده در آذربایجان را برای شروع به کار نوشتن جلد دوم برایش بفرستد، چنین گفته که: «اشارت رفت که باقی ده و اند سال وقایع را باید مدون نمائی و آیات کبری مجاهدات و غزوات را به لفظ کوجه الحب عند محبه، مبرهن. میعاد تا نزول خسرو سیارگان به برج حمل است و سه ماه و ده روز به حساب جمل<sup>۲</sup>». اما وقایع نگار بعدها جلد دیگری نیز بر این تاریخ افزوده است و این مطلبی است که در هیچکدام از کتابهای دیده شده به آن اشاره نرفته است. البته خود نویسند در جلد دوم از تاریخ جهان آرا وعدهٔ نوشتن جلد سوم این کتاب را هم داده بود<sup>۳</sup>. از جلد سوم این کتاب نسخه ای به صورت مجزا آنگونه که برای جلد اول و دوم موجود است دیده نشد، اما در کتابخانهٔ ملی نسخه ای با شماره (۲۲۵۹ ف) موجود است که متن سه جلد این تاریخ را بطور کامل و پی در پی در خود دارد و این نشان میدهد که احتمالاً وقایع نگار بعدها خود این سه جلد را در یک جلد فراهم کرده است؛ چرا که در ابتدای این نسخه در حالی که در تمام موارد با نسخه های دیگر مطابق است، به جای آنکه بنویسد کتاب شامل وقایع ده سال اول از حکومت شاه است، آنگونه که در دیگر نسخه ها آمده، نوشته است: «این جلد از تاریخ مشتمل است بر وقایع سی ساله که نخستین قرن از سلطنت شهنشاه گیتی پناه دامه سلطنه العلیه است و وقایع آتیۀ قرون ثانی را به عنایت الله تعالی در جلد ثانی به ترتیبی که باید و شاید مرتب خواهد ساخت<sup>۴</sup>». البته مرگ شاه و خود نویسنده آرزوی نگارش وقایع قرن ثانی را برآورده نکرد.

۱۲- پیش از این گفتیم یکی از آثار وقایع نگار رسالهٔ شیم عباسی است که به عباس میرزا تقدیم شده است. دربارهٔ نام کتاب و فردی که کتاب به او اهدا شده و همینطور تاریخ نگارش آن ملاحظاتی لازم است. این رساله یکبار تحت عنوان «رسالهٔ سیاست از میرزا

۱ - منشآت، وقایع نگار، نسخهٔ مجلس، شماره ۳۵۶ / ۱۲۹ - ۱۳۱.

۲ - همان، ۱۳۱ - ۱۳۲.

۳ - تاریخ جهان آرا، وقایع نگار، نسخهٔ ملی، شماره ۱۵ / ۳۴۱.

۴ - تاریخ جهان آرا، وقایع نگار، نسخهٔ ملی، شماره ۲۲۵۹ / ۵.

صادق وقایع نگار « به تصحیح مسعود معتمدی<sup>۱</sup> و یکبار تحت عنوان « شیم علیّه » به تصحیح موسی نجفی اصفهانی<sup>۲</sup> و یکبار هم به نام « شیم عباسی » به تصحیح دکتر غلامحسین زرگری نژاد<sup>۳</sup> چاپ شده و نسخه ای هم در کتابخانه مجلس با نام « شیم عباسی » از آن موجود است.<sup>۴</sup> در چاپهای آقایان معتمدی و نجفی ، این رساله تقدیم به علیشاه شده ولی در چاپ دکتر زرگری نژاد و نسخه مجلس ، این رساله به نام عباس میرزا است. علاوه بر این در منشآت وقایع نگار و در طی دو نامه سخن از این رساله است که در هر دو، نام آن « شیم عباسی » ذکر شده و وقایع نگار آن را اهدایی به عباس میرزا خوانده است.<sup>۵</sup> پس با توجه به این قراین میتوان چنین نتیجه گرفت که یا نام علیشاه در دو نسخه چاپی آقایان معتمدی و نجفی غلط کاتبان بوده است و یا اینکه وقایع نگار در ابتدا این کتاب را به نام علیشاه نوشته بود و بعدها به دلایلی آن را به عباس میرزا اهدا کرده است. نکته دیگر اینکه تاریخ نگارش این رساله را آقایان معتمدی و نجفی در سال یازدهم حکومت شاه میدانند و آقای معتمدی دلیل سخن خود را این جمله وقایع نگار میدانند : « در ده و اند سال کیهان خدائی آفریدگار بی انباز و یار، دیده بختش را به چهل یگانه فرزند فرزانه ... روشن بخش گردانیده<sup>۶</sup> » ، اما در پایان نسخه های مورد استفاده دکتر نجفی و دکتر زرگری نژاد و همینطور نسخه خطی کتابخانه مجلس ، تاریخ ۱۲۲۷ هجری به عنوان زمان نگارش رساله آمده و همین مطلب شاید تأییدی بر نظر ما مبنی بر وجود دو تحریر از این کتاب باشد. در پایان باید گفت که نثر رساله شیم عباسی ، نثری بسیار ساده و روان است و نظر آقای نجفی اصفهانی در مقدمه متن مصحح خود مبنی بر مغلق و سنگین بودن نثر نویسنده<sup>۷</sup> ، نظری کاملاً اغراق آمیز است و اشتباه بودن این نظر برای فردی آشنا با نثر آن دوره و سالهای قبل از آن امری آشکار است. در میان تصحیحاتی که از این اثر

۱ - نامواره دکتر محمود افشار، ۷۷۹/۲-۷۹۴.

۲ - میراث اسلامی ایران ، رسول جعفریان ، ۱ / ۵۶۱ - ۵۷۸.

۳ - سیاست نامه های قاجاری ، زرگری نژاد، ۱ / ۱۱۱ - ۱۴۷.

۴ - شیم عباسی ، وقایع نگار ، نسخه مجلس ، شماره ۱ / ۸۸۲۱ / ۲ - ۱۲.

۵ - منشآت ، وقایع نگار، نسخه مجلس، شماره ۳۵۴۶ / ۱۳۱ - ۱۳۲ و : ۱۴۳ - ۱۴۴.

۶ - رساله سیاست (نامواره دکتر افشار، ۲) ، مسعود معتمدی / ۷۸۰.

۷ - شیم علیّه ( میراث اسلامی ، رسول جعفریان ، ۱) ، نجفی / ۵۶۴.

شده، تصحیح دکتر زرگری نژاد که از روی نسخه ای خوب صورت گرفته و با مقدمه و حواشی مطلوبی همراه شده بهتر از دیگر کارها است.

۱۳- در میان نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه ای به شماره (۸۸۲۱) موجود است که شامل تعدادی از آثار وقایع نگار می باشد. این مجموعه پیشتر توسط دکتر گلچین معانی دیده شده و یادداشت برداری گردیده است. دکتر گلچین معانی در هنگام مطالعه این مجموعه، نام و صفحات هر رساله را در برگ اول مجموعه یادداشت کرده اند و برای آثاری که عنوان نداشتند نامگذاری نموده اند. در میان این مجموعه رساله ای با نام «مناظره عقل و بخت و ذکر شمایل و مآثر فتحعلیشاه» آمده که چون در داخل رساله عنوان آن ذکر نشده، دکتر گلچین معانی این نام را مطابق با موضوع رساله به آن اطلاق کرده اند. همچنین ایشان در فهرست نسخه های خطی آستان قدس، در ضمن آثار وقایع نگار از این رساله با عنوان «در مناظره بخت و عقل و ذکر شمایل و مآثر خاقانی» نام برده اند.<sup>۱</sup> در مقایسه ای که میان این رساله و مجمع المآثر انجام شد، متوجه این مطلب شدیم که این رساله مناظره عقل و بخت و ذکر شمایل فتحعلیشاه، دقیقاً همان مجمع المآثر است. بنابراین اینجا لازم است این نامگذاری اشتباه اصلاح شود و نام (مجمع المآثر) به عنوان تنها نام این رساله شناخته گردد. البته در برگ اول از رساله مجمع المآثر، نسخه مجلس، این نام به صورت (مجمع المعاصر) آمده<sup>۲</sup> که با توجه به معنای آن اشتباه کاتب در نگارش مشخص می گردد. همچنین در کتاب قواعد الملوک<sup>۳</sup> و تذکره انجمن خاقان<sup>۴</sup>، از کتابی به نام (زینت المآثر) صحبت شده که به احتمال فراوان همین مجمع المآثر است.

۱۴- یکی از ویژگیهای مهم آثار وقایع نگار، تکرار بخشهای مختلف آنها در یکدیگر است. همین مطلب در موارد متعدد و گوناگون باعث ایجاد مشکل در تعیین جواب دقیق یک مسئله میشود. یکی از این موارد در اشتراکی است که مابین کتاب تاریخ جهان آرا و مجمع المآثر وجود دارد. توضیح مطلب اینکه در پایان نسخه رطب اللسان که جلد اول از

۱ - فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس، گلچین معانی، ۱۲۲/ (۱)۷.

۲ - مجمع المآثر، وقایع نگار، نسخه مجلس، شماره ۷۵۷ س س.

۳ - قواعد الملوک، وقایع نگار، نسخه ملی، شماره ۱۷۵۸ ف / ۲۸.

۴ - انجمن خاقان، فاضل خان گروسی / ۴۴۱-۴۴۳.



تاریخ جهان آراست و همچنین نسخه دیگری از تاریخ جهان آرا، فصلی در توصیف شاه و صفات و ویژگیهای او و همچنین اطرافیان و وصف اعمال او و اقداماتش آمده که دقیقاً مطابق با بخش مدح شاه در مجمع المآثر است و همان سخنها و اشعار را دربردارد. این نمونه و نمونه هایی دیگر از این دست نشاندهنده سختی کار محقق در تشخیص و تمیز مطالب در آثار وقایع نگار است.

#### نتیجه:

در این مقاله با توجه به قراین مختلف، سال ۱۱۸۰ هجری به عنوان تاریخ ولادت وقایع نگار ذکر شد، همچنین با دلایلی، غلط بودن تاریخ ۱۲۰۹ هجری برای هجرت او به عراق ثابت شد و نظر نویسنده حدیقه الشعرا درباره تاریخ مرگ او تصحیح شد و سال ۱۲۵۰ هجری به عنوان تاریخ مرگ او به اثبات رسید. همچنین فهرست کاملی از سفرتهای وقایع نگار ارائه گردید و یکی بودن کتاب رطب اللسان با جلد اول از تاریخ جهان آرا، وجود جلد سوم تاریخ جهان آرا، شامل تاریخ ده سال سوم پادشاهی فتحعلیشاه، و اشتباه بودن نامگذاری رساله مجمع المآثر تحت عنوان در مناظره بخت و عقل و ذکر شمایل و مآثر خاقانی توسط استاد گلچین معانی اثبات شد.

#### فهرست منابع

- ۱- آهنگ سروش، یادداشتهای میرزا محمدصادق وقایع نگار (هما) مروزی از آغاز تا عهدنامه ترکمانچای؛ گردآورنده: حسین آذر، مصحح: امیر هوشنگ آذر، ناشر: مصحح، تهران، ۱۳۶۹.
- ۲- از صبا تا نیما؛ یحیی آرین پور، انتشارات زوار، زوار، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۲.
- ۳- الذریعه الی تصانیف الشیعه؛ العلامة الشیخ آقابزرگ الطهرانی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳.
- ۴- انجمن خاقان؛ فاضل خان گروسی، مقدمه تفتیق سبحانی، روزنه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
- ۵- ایران در دوره سلطنت قاجار؛ علی اصغر شمیم، انتشارات زریاب، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰.
- ۶- تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر؛ سعید نفیسی، به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، اساطیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
- ۷- تاریخ جهان آرا؛ عباس اقبال، مجله یادگار، سال ۵، شماره ۱ و ۲.
- ۸- تاریخ جهان آرا؛ محمد صادق وقایع نگار، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۲۲۵۹ ف.

- ۹- تاریخ جهان آرا؛ محمد صادق وقایع نگار، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۱۵ ف.
- ۱۰- تذکره اختر؛ احمد گرجی نژاد، به کوشش دکتر ع. خیامپور، تبریز، ۱۳۴۳.
- ۱۱- جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی؛ گای لسترینج، ترجمه محمود عرفان، علمی فرهنگی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۲- حدیقه الشعرا؛ سید احمد دیوان بیگی شیرازی، تصحیح و تکمیل و تحشیه: دکتر عبدالحسین نوائی، زرین، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶.
- ۱۳- دیوان هما؛ محمد صادق وقایع نگار، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۸۸۲۱/۶.
- ۱۴- رطب اللسان؛ محمد صادق وقایع نگار، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۴۴ ف.
- ۱۵- سیاست نامه های قاجاری؛ دکتر غلامحسین زرگری نژاد، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، جلد اول، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۶- فرمان مالک اشتر؛ حسین بن محمد حسینی علوی آوی، تصحیح محمود عابدی، بنیاد بین المللی نهج البلاغه، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲.
- ۱۷- فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی؛ دکتر گلچین معانی، انتشارات کتابخانه آستان قدس، جلد ۷(۱)، مشهد، ۱۳۴۶.
- ۱۸- قواعد الملوک؛ محمد صادق وقایع نگار، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۱۷۵۸ ف.
- ۱۹- لغتنامه؛ علی اکبر دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، موسسه لغتنامه دهخدا، جلد ۱۵، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲۰- مجمع المآثر؛ محمد صادق وقایع نگار، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۷۵۷ س.
- ۲۱- منشآت قائم مقام؛ قائم مقام فراهانی، جهانگیر قائم مقامی، ابن سینا، تهران، ۱۳۳۷.
- ۲۲- منشآت وقایعنگار؛ محمد صادق وقایع نگار، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۳۵۴۶.
- ۲۳- میراث اسلامی ایران؛ به کوشش رسول جعفریان، کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی، دفتر اول، چاپ اول، قم، ۱۳۷۳.
- ۲۴- ناسخ التواریخ؛ محمد تقی لسان الملک سپهر، جمشید کیانفر، اساطیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲۵- نامواره دکتر محمود افشار؛ بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، جلد ۲، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۵.
- ۲۶- زینت المدایح. محمد صادق وقایع نگار. نسخه خطی کتابخانه مجلس شماره ۳۹۷.